



بازگشت اکثریت

با پیروزی جریان ۱۴ مارس در انتخابات روز یکشنبه لبنان، روزنامه الاخبار جاب این کشور عکس و تیتراژ خود را به این حادثه مهم اختصاص داده و با عنوان بازگشت اکثریت، خبر آمدن آنها را منتشر کرده است. این روزنامه که به حزب‌الله لبنان نزدیک است گزارش کاملی از انتخابات منتشر کرده است.



روز داوری

گاردین از تداوم وضعیت بحرانی نخست‌وزیر انگلیس خبر داده است. پس از استعفاي گسترده وزرای کابینه به خاطر رسوایی مالی، گزارش‌ها از شکست سنگین حزب کارگر در انتخابات پارلمان اروپا حکایت می‌کنند. عقب ماندن حزب کارگر از احزاب محافظه کار و استقلال بریتانیا (پوپک) بزرگ‌ترین شکست انتخاباتی آنها را از جنگ جهانی دوم رقم زده است.



چالش‌های افغانستان

روزنامه نیویورک تایمز جاب آمریکا عکس صفحه اول خود را به یک سرباز آمریکایی در افغانستان اختصاص داده و نوشته که نیروهای بی‌نظم افغانی چالشی جدی در راه اهداف ایالات متحده در این کشور به حساب می‌آیند. به نوشته این روزنامه اواما گسترش نفرت و افزایش توانایی‌های سربازان افغانی را جزو اولویت‌های اصلی خود قرار داده است.



واکنش تحلیگران و مقامات کشورهای خاورمیانه به سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا در قاهره را نمی‌توان در یک دسته خاص گنجانید. اصلا نمی‌دانم از بابت این واکنش‌ها باید خوشحال بود یا ناراحت. خیلی‌ها می‌گویند آنچه که بساراک اواما «می‌گوید» اهمیتی ندارد. مهم این است که او واقعا چه اقداماتی در خاورمیانه انجام خواهد داد. اما اگر بخواهم شما مردان و زنان خاورمیانه را خطاب حرف‌هایم قرار بدهم، آن وقت بخواهم گفت که اینطور نیست. مساله مهم این است که «اواما» چه می‌گوید و چه کار می‌کند و «شما» چه می‌گویند و چه کار می‌کنید. کشورهای غربی که نمی‌توانند دایه عزیزتر از مادر باشند و بیشتر از خاورمیانه‌ها به برقراری صلح و دموکراسی در این منطقه‌بندیدند.

از تلخ و شیرین عراق

■ بالاخره راه دموکراسی از جنگ می‌گذرد یا از حل مناقشات داخلی؟

• **توماس فریدمن / ترجمه فرزانه سالمی**

استراتژیک بسیار بیشتری دارد؛ یعنی حل‌وفصل اختلافات داخلی در عراق. مهم‌ترین کاری که هیلاری کلینتون می‌تواند در شرایط فعلی انجام دهد، این است که به همراه سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و همسایگان عراق به حل‌وفصل مناقشاتی بپردازد که در میان گروه‌های مختلف عراقی در گرفته و به تهدیدی علیه برقراری صلح در این کشور تبدیل شده است. نکته اصلی اینجاست که حل‌وفصل این مساله باید پیش از خروج و عقب‌نشینی نیروهای خارجی از عراق صورت بگیرد. (قرار است نیروهای آمریکایی تا پایان ماه ژوئن از شهرهای عراق عقب‌نشینی کنند و تا پایان سال ۲۰۱۱ میلادی نیز کل از این کشور خارج بشوند) اهمیت این مساله در چیست؟ اگر عراق هنگام خروج نیروهای آمریکایی و نیز بعد از آن، دچار اغتشاش باشد، تقصیر بر گردن آمریکایی‌ها خواهد بود. اما اگر نظم نسبی سیاسی و پایدار در عراق برقرار شود، تاثیر خوبی بر مناسبات آمریکا با کشورهای عربی در خاورمیانه خواهد گذاشت و شاید به بهبود اوضاع در منطقه‌بندید.

«وقتی یک الگوی موفق از حل اختلافات داخلی یک کشور در منطقه شکل بگیرد، شاید بقیه کشورهای عربی را نیز تحت تاثیر خود قرار بدهد.» اما واقعیت این است که از سال ۲۰۰۳ میلادی و با آغاز حمله آمریکا به عراق، اوضاع در منطقه رو به قهقرا رفته و به بروز مناقشاتی ایدئولوژیک انجامیده است. در آن زمان، آمریکا رژیم را در عراق سرنگون کرد که ساختار سیاسی باثباتی داشت اما وقایع بعدی در عراق، حاکی از بازگشت ثبات به این کشور نبود. مساله مهم در عراق پس از جنگ این بود که مذاکرات بین گروه‌های مختلف به شکلی هم‌سطح و افقی انجام بگیرد؛ یعنی هیچ گروهی در موقعیت برتر نسبت به گروه دیگر قرار نداشته باشد و دیگران را تحت فشار قرار ندهد. گروه‌هایی که در این راستا باید در عراق با هم مذاکره می‌کردند و به توافق می‌رسیدند، عمدتا شیعیان، اهل تسنن و کردها بودند.

نبوده است. در ابتدای کار، این رویکرد با خوشنوت‌های فراوانی همراه بود و هریک از گروه‌های عراقی درواقع می‌خواست منت اهنین و قدرت خودش را در برابر دیگران به نمایش بگذارد. اما دوره این خوشنوت‌ها دیگر سپری شده و حالا دوره مذاکره میان این گروه‌هاست. بحث در خصوص چگونگی اداره عراق و تامین آینده آن در این راستا اهمیت زیادی دارد اما به هر حال این مساله هنوز حل‌وفصل نشده و هر آن امکان بازگشت خوشنوت در عراق وجود دارد. اما نکته دیگری هم در این راستا وجود دارد. برخی مقامات آمریکایی که دائم دم از لزوم حل مشکلات عراق می‌زنند، خودشان فقط شاید سری به این کشور زده باشند اما هیچ‌وقت تلاش گسترده‌ای برای حل مشکلات عراق صورت ندادند. درست است که خیلی‌ها از جورج بوش و جنگی که در عراق راه انداخت متفرند. اما به هر حال این اتفاقی است که افتاده و اگر هیچ‌کس به فکر خاتمه دادن آن نباشد، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. واقعیت این است که عراق جبهه بسیار بااهمیتی در جنگ است. این کشور خلاف برخی کشورهای عربی دیگر، به صورت هم‌زمان دارای منابع آب، نفت و جمعیتی تحصیلکرده‌تر از کشورهای عربی دیگر است. پس خود عراقی‌ها هم بهتر است این فرصت فعلی برای کنار گذاشتن اختلافات داخلی و تامین وحدت میان گروه‌های مختلف را از دست ندهند.

منبع: نیویورک تایمز

اواما در قاهره

بوش در لباس بره

• **علی ابونعیمه / ترجمه: پوران دخت مجلسی**



بوش و اوباما در قاهره

روحی عظیمی» که در ۱۱ سپتامبر بر آمریکا وارد شد ۲۰۰۰ نفری که کشته شدند، ولی حتی یک کلمه هم درباره صدها هزار کودک پدر مرده و زن‌های شوهر مرده که در عراق باقی مانده‌اند نگفت و کسانی که منتظر آزادی سسال گذشته با پرتاب کفش‌هایش به طرف بوش، آمریکاییان را مجبور کرد تنها برای چند ثانیه آنها را به خاطر بیایوند.

و یا کودکان وحشت زده‌ای که از مقابل سلاح‌هایی که آمریکاییان در اختیار اسرائیلی‌ها قرار می‌دهند، فرار می‌کردند؟ آیا او فکر نمی‌کرد که شتوندگانش به یاد می‌آوردند که تعداد فلسطینی‌ها و لبنانی‌هایی که به وسیله اسرائیلی‌ها کشته می‌شوند همیشه بسیار بیشتر از کشته‌شدگان اسرائیلی به وسیله اعراب است و دقیقا به دلیل به کارگیری سلاح‌های آمریکایی بسیار پیشرفته‌ای است که اواما بدون احساس مسوولیت به ادامه ارسال آنها تعهد کرده است؟ بعضی از مردم آمده‌اند که با وجود همه اینها، برای اواما امتیازی قائل شوند زیرا دست‌کم صحبت او در باره شهرک‌سازی‌های اسرائیل در ساحل غربی اشغالی رود اردن، محکم و جدی به نظر می‌آید. او در قاهره گفت «ایالات متحده مشروعیت ادامه شهرک‌سازی به وسیله اسرائیل را نمی‌پذیرد. این امر ناقض توافق‌های قبلی است و کوشش‌های به عمل آمده برای به دست آمدن صلح را زیر پا می‌گذارد. وقت آن است که ساختن این شهرک‌ها متوقف شود» این کلمات به دقت انتخاب شده تنها برادامه شهرک‌سازی متمرکز شده است، نه بر وجود خود این شهرک‌ها. اینها همه به طور کامل سازگار و هماهنگ است با فرایند مورد نظر و باقی‌ماندن شهرک‌ها برای همیشه. این سوال پیش می‌آید که آیا اواما فکر می‌کند دارد به کجا می‌رود؟ او آرمان‌های مشروع فلسطینی‌ها را خلاصه می‌کند در شعارهایی مناسب که قرار است جانشین حق و عدالت برای فلسطینی‌ها شود در دولتی که در واقع برای آنها برنامہ ریزی شده است.

بهرچه زودتر فراطبی‌ها منزوی خواهند شد و در جوامع مسلمان به عناصری نامطلوب تبدیل خواهند شد و ما در امنیت بیشتری خواهیم بود» به نظر می‌رسد که همه مسلمانان را مورد سوظن می‌داند. ضعف‌های اظهارات او در هیچ چاروشن‌تر از سخنان او درباره اسرائیل و فلسطین نبود. او برای شتوندگانش به تفصیل درباره هولوکاست و استفاده آشکار آن به عنوان توجیه برای ایجاد اسرائیل، صحبت کرد و گفت: «فیرقایل انکار است که مردم فلسطین - مسیحیان و مسلمانان - برای جست‌وجوی وطنی برای خود رنج و ناراحتی زیادی برده‌اند. آنها بیش از ۶۰ سال است که رنج بی‌خانمانی را تحمل کرده‌اند. رنج بردن برای یافتن وطن؟ درد بی‌خانمانی؟ آنها پیش از آن وطن داشتند. آنها به خاطر پاکسازی‌های قومی و بیرون رانده شدن از خانه‌های شان و ممانعت‌شان از بازگشت

منبع: گاردین

مطالبی که اواما در سخنرانی خود در قاهره مطرح کرد، تنها تفاوت واقعی اندکی را با دیدگاه‌های بوش نشان می‌داد. در بسیاری از موارد او ضعف سیاست‌های پیشین آمریکا را به طور کامل حفظ کرده است. اگر تعارفات و احترام‌هایی را که معمولا بین میزبان و میهمان وجود دارد کنار بگذاریم، باید بگوییم که محتوای سخنان پرزیدنت اواما نشان می‌دهد که احتمال تغییر در سیاست آمریکا بسیار اندک است. لزومی ندارد مقاصد اواما را حدس بزینم و یا پیش‌گویی کنیم. او ممکن است در آینده در هدف‌هایش صمیمیت بیشتری نشان دهد و من به این موضوع باور دارم. ولی تحلیل‌ها و راه‌های پیشنهادی او در بیشتر جهات تغییری نیافته و همان سیاست‌های پیشین است. اگر چه او خود را متعهد می‌داند «حقیقت را بگوید» ولی خیلی چیزها را ناگفته باقی گذاشت. او در باره تنش بین «آمریکا و اسلام» صحبت کرد که اولی (آمریکا) منکلی مشخص و معلوم بود ولی درباره دومی (اسلام) به شکلی نامشخص صحبت کرد و مردم، اعمال، تاریخ و کشورهایی که بیشتر باهم تفاوت دارند تا شباهت را در یک رده و زیر نام اسلام قرار داد.

برجسب زدن به «غیر» آمریکاییان و نام بردن از آنها با عنوان مهم و بسیار فراگیر «اسلام» (حتی وقتی می‌خواهی آشتی جویانه و با احترام از آنها یاد کنی) روشی است برای اجتناب از پذیرش آن چیزی که در واقع مردم را در سراسر کشورهای که اکثریت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند به هم نزدیک می‌کند و به طور کلی کشورهای که اکثریت قاطع آنها مخالف دخالت‌ها و نفوذ فرزاینده و خشونت ارتش آمریکا و همچنین دخالت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا هستند. «مخالفت و مقاومت»، اکنون برای حامیان چنین دخالت‌هایی در کشورهای سلطه جو، مترادف با «اسلام» است. بسیار نویدمند کننده بود که اواما این نظر رئیس‌جمهور قبلی را دوباره تکرار و احیا کرد که گویی «خشونت گرایان افراطی» - که ظاهرا در خلا وجود دارند - بدون ارتباط با سیاست‌های آمریکا و «میانگانش»، برای عملیاتی بزرگ‌تر از قبل با بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تعدادشان روز به روز به طور تصاعدی افزایش می‌یابد. او انگشت گذاشت بر «ضربه

خصوصی با اواما	من نبودم	نمی‌خواهیما	خوشحال نشوید	عقب گرد	او دروغ می‌گوید
کاسه صبر اعراب در برابر مناقشه خاورمیانه لبریز شده است	طالبان مسوول ترور بی نظیر بوتو است	قصیدی برای توقف شهرک‌سازی‌ها نداریم	تیباید در خوش بینی نسبت به سخنان اخیر باراک اواما در منطقه زیاده روی کرد	بازگشت کره شمالی به فهرست دولت‌های حامی ترور ریسم را بررسی می‌کنیم	تئاتیاهو به دنبال وقت کشی است
ملک عبدالله پادشاه عربستان	پرویز مشرف رئیس‌جمهور سابق پاکستان	بتیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی	عمر و موسی دبیرکل اتحادیه عرب	هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا	زبیبی لیونی
در دیدار هفته گذشته خود با رئیس‌جمهور آمریکا «الحیات» به نقل از منبعی مطلع	بارد اتهامات مبنی بر دست داشتن او در ترور نخست‌وزیر فقید پاکستان	با وجود تاکید بر مشارکت حداکثری با واشنگتن برای صلح	با اعلام اینکه آن سخنرانی راه امید زیادی را در برابر حل نزاع عربی و اسرائیلی می‌گشاید	در واکنش به آزمایش هسته‌ای اخیر کره شمالی	با اعلام اینکه فضای کلی جهان تغییر کرده است

نقطی	من نبودم	نمی‌خواهیما	خوشحال نشوید	عقب گرد	او دروغ می‌گوید
کاسه صبر اعراب در برابر مناقشه خاورمیانه لبریز شده است	طالبان مسوول ترور بی نظیر بوتو است	قصیدی برای توقف شهرک‌سازی‌ها نداریم	تیباید در خوش بینی نسبت به سخنان اخیر باراک اواما در منطقه زیاده روی کرد	بازگشت کره شمالی به فهرست دولت‌های حامی ترور ریسم را بررسی می‌کنیم	تئاتیاهو به دنبال وقت کشی است
ملک عبدالله پادشاه عربستان	پرویز مشرف رئیس‌جمهور سابق پاکستان	بتیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی	عمر و موسی دبیرکل اتحادیه عرب	هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا	زبیبی لیونی
در دیدار هفته گذشته خود با رئیس‌جمهور آمریکا «الحیات» به نقل از منبعی مطلع	بارد اتهامات مبنی بر دست داشتن او در ترور نخست‌وزیر فقید پاکستان	با وجود تاکید بر مشارکت حداکثری با واشنگتن برای صلح	با اعلام اینکه آن سخنرانی راه امید زیادی را در برابر حل نزاع عربی و اسرائیلی می‌گشاید	در واکنش به آزمایش هسته‌ای اخیر کره شمالی	با اعلام اینکه فضای کلی جهان تغییر کرده است

از سرمقاله‌ها

تشکر دیگر از اواما

• **فهمی هویدی / ترجمه صادق راستگو**



ما یک تشکر دیگر هم به آقای اواما بدهکار هستیم نه فقط به خاطر آنکه آنچه ما خواندیم، شنیدیم بلکه او باعث شد تا ما امروز قاهره را شست‌وشو شده و تمیز و زیبا ببینیم. بله درست است من از این نظر منظوری ندارم و شاید دچار تعجب عجیبی در حساب‌هایم شده‌ام؛ قاهره برای بازدیدکنندگان و نه برای ساکنان آن زیبا می‌شود. اما این مانعی نیست تا ما در مورد شهرمان کلاه سر خودمان بگذاریم و مبنای ریشه‌دار آن را زیر سوال ببریم. جایی که چشممان ما را بر می‌کند و تمام گوشه‌کنار آن سراسر افتخار و محبت است. قاهره را در طول ساعتی که میهمان داشت، دیدیم که چگونه از سر و روی آن آثار کهنسالی و غم‌ناز زودند. اما می‌توانستیم لحظاتی را در آن مشاهده کنیم، سرور سر کتیبه، بدون آنکه بفهمیم به آن تعلق داریم و یا نداریم. پس به عمد هنگامی که میهمان رفت فورا آثار زیبایی را از سر و رویش برداشتیم، ماشین‌های چمن‌زنی که در اطراف خیابان‌های اصلی مستقر بودند به سرعت جمع شده و عملیات شست‌وشوی خیابان‌ها با آب عملا پایان یافت. من نمی‌دانم این عملیات ترغیب و تشویق پیش این و در دوران گذشته هم وجود داشته است یا نه به جز آنکه کار عبور و مرور بار دیگر به حال سابق خود بازگشته است و مردان پلیس هم در خیابان‌ها قايم شده‌اند تا به ناگهان پیدایش شده زمین تقسیم شده و پوشیده از آنهاست.

سوالاتی که به صورت گسترده ذهن را درگیر خود می‌کند این است: آیا بر عهده ما نیست که ساختارهای پرافتخار را تمیز کنیم و خیابان‌هایمان را زیبا نگه داریم، چرا باید این کار را نکرد؟ برای چه ما باید این کار را تنها برای رضایت بزرگان کشورها و بازدیدکنندگان خارجی انجام دهیم؟ این را درک می‌کنیم که پاسخ‌های متفاوتی در این مورد وجود دارد و باید میان اولویت‌ها و امکانات همسانی وجود داشته باشد. اما در مجموع بهانه‌های عجیبی برای رد مراجعات ما می‌آوردند. شهر استانبول درست ۵۰ سال پیش با قاهره برابری می‌کرد، امروز که این شهر را می‌بینیم به زیبایی شدن خیابان‌هایش به همراه بزرگ‌تر شدن ساختمان‌هایش و سرزندگی فضایش بی می‌بریم. از منظر حضور اتوبوس‌ها و نحوه برقرسانی و کمی آب در آن تعجب می‌کنیم. همه اینها در طول این سال‌ها تغییر کرده است. در حال حاضر به عنوان یک شهر زده اول اروپایی از آن یاد می‌کنند. این معجزه‌های نیست که از آسمان آمده باشد و هیچ کودتایی هم در کشور روی نداده است. تنها نکته در این میان حضور یک شهردار خوب در راس شهرداری است که نام او رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر فعلی است. او از طریق انتخابات وارد شد و کاری کرد تا دوباره انتخاب شود. روزگاری که او در سمت شهرداری استانبول به سر می‌برد، روزگار طلایی شهر بود. در حال حاضر چهره این شهر ۱۸۰ درجه تفاوت کرده است. نظافت و تمیزی ساختمان‌های قدیمی و جدیدش به همراه فضاهای سبز امروز ضرب‌المثل است. پس از آنکه استانبول بزرگ شد، آن‌را به قسمت‌های مختلفی تقسیم کردند و در راس هر منطقه شهرداری قرار دادند که از طریق انتخابات به این عنوان می‌رسید. زیبایی امروز استانبول هدیه‌ای است که از طریق دموکراسی تقدیم مردم آن شده است. اما استانداران ما همه از طریق انتصاب به منصب‌های خود رسیده‌اند و مردم نقشی در انتخاب آنها ندارند. چند سال پیش به شهر حلوان در نزدیکی قاهره رفته بودم، محل رفت و آمد مردم است. پرسیدم چرا تنها یک مسیر درست شده است، گفتند وقتی رئیس‌جمهور می‌خواست به شهر بیاید ما این مسیر را ساختیم، اما هنگام بازگشت چون با هواپیما برگشت دیگر نیازی به ساخت جاده جدید احساس نشد. من آن روز قانع شدم که اگر مشکل تمیزی شهر ما حل نشود، مشکل دموکراسی ما حل نمی‌شود. نوه‌های ما باید منتظر باشند تا روزگاری بار دیگر شاید اواما به قاهره بیاید و شهر را تمیز ببینند.

منبع: روزنامه الشرق قطر